



جوانان حکمتیست ۲۷

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست
Youth Communist Organization - Hekmatist



www.javanx.com

سر دبیر: فواد عبداللہی
foadsjk@yahoo.com
دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com

سه شنبه ما منتشر می شود ۲۹ فبریه ۲۰۰۵ - ۹ اسفند ۱۳۸۳

کارناوال شادی جوانان میدان محسنی!

مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست



بنا به اخبار رسیده، صدها تن از دختران و پسران جوان در میدان محسنی و خیابان میرداماد تهران تجمع کردند و با روشن کردن شمع، با سوت و کف زدن و هلله سردادند. شام غریبان را به کارناوال شادی تبدیل کردند.

پارتی بزرگ خیابانی بود، دختران و زنان حجاب را از سر برداشته و با لباسهای مد روز و چسبان و روسری های توری و پسران با مدل های غریبی در غروب عاشورا و شام غریبان آشکارا مقدسات اسلامی را زیر پا نهادند. نیروی انتظامی که در مقابل این حرکت زمین گیر شده بود ساعت ۱۸ غروب روز عاشورا، خیابان میرداماد از حدفاصل بزرگراه مدرس تا خیابان شریعتی و چهار خیابان دیگر منتهی به میدان محسنی را بسته بود. دسته دسته به جمعیت جوانان افزوده میشد. دختران و پسران جوان بدون توجه به مراسمی که در

یک چهارشنبه سوری داغ در ایران به روش شام غریبان در تهران!



امید خدابخش

انسانها میکند و محرم یکی از مهمترین نمادهای مذهبی و حکومتی در جمهوری اسلامی است که به درست مورد هدف و تهاجم قرار گرفته است. این مبارزه ای واقعی بین جنبش جوانان و یک حکومت اسلامی است. مبارزه و کشمکش که با آوردن ارگ و ساکسیفون و نوحه هایی با ریتم شاد به مراسمهای عزاداری و تبدیل شدن آن به محل دیدار عشاق شروع شد، اما شام غریبان امسال در تهران جهت اصلی آن را نشان داد. نمونه ای موفق از کنترل محلات که بی شک از این به بعد در هر مراسمی به خصوص حسین پارتی رنگی از آن را خواهیم دید. به نظر میرسد دوره اعتراضات به روش کنترل محلات آغاز شده است و به گواهی همین تجربه اخیر جوانان در تهران یکی از موثرترین و بهترین نوع مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی است که باید در دستور کار فعالین جنبش جوانان و بخصوص حکمتیستها قرار گیرد. اگر کنترل محلات مرحله تازه ای از اعتراضات جوانان در ایران است، سازمان جوانان حکمتیست بهترین وسیله برای هماهنگ شدن و متحد شدن محله های مختلف با یکدیگر است. برای دور تازه مبارزه و کنترل محله تان با ما تماس بگیرید.

در حسرت کارناوالهای موزیک و رقص خیابانی، یک لیوان آبجوی خنک و دختر پسرهای محل در حال شوخی و رقص و احیانا گوشه ای خلوت کردن نباید ماند. باید به سبک جوانان میدان محسنی از شام غریبان فرصتی فراهم کرد و هیجانی به زندگی غم زده در ایران داد. شما هم امتحان کنید و در اولین فرصت و به اولین بهانه که میتواند چهارشنبه سوری امسال باشد زیباترین لباس و آرایش تان را به خیابانها بیاورید، محله تان را ببندید، سوت بزنید، دست بزنید و شادی کنید، به دنبال فرمانده نیروی انتظامی بیافتید و هو کنید و در آخر برای اینکه هیجان آنرا تکمیل کنید بسیجیهای فضول را گوشمالی دهید. جوانان در شام غریبان امسال فریاد زدند که اگر آزادی، شادی و عشق، آینده و خوشبختی را از ما گرفتند، ما مذهب و مراسم مذهبی شان را نابود میکنیم. موج تازه ضد مذهبی در ایران چنگ به همه تان و بود اسلامی در جامعه میکشد و آنرا تبدیل به ابزار شادی خود

پایان دادن به تلفات زلزله، کار ما است!



حیات روزمره مردم، اساس خود را تعریف کرده است. بیشک مردم نقش مخرب این حکومت را در جریان "زلزله بم" شاهد بودند. پایان دادن به تلفات زلزله تنها در گرو به زیر کشیدن این جانیان از اریکه قدرت به نفع ادامه حیات انسان است. نشریه ما به بازماندگان این فاجعه تسلیت می گوید.

شهر زرنده و روستاهای اطراف آن از توابع کرمان طعمه زلزله ای دیگر در حکومت اسلامی شدند. آمار دقیقی از تلفات این فاجعه در دست نیست. اما در این سرمای شدید هزاران نفر بی خانمان شده اند و صدها نفر زیر آوار جان خود را از دست داده اند. می گوییم "در حکومت اسلامی"، زیرا که صاف و ساده تقصیر کردن حکومت جنایتکاران اسلامی است. بی مسولیتی و لاقیدی این حکومت در قبال فجایعی از این دست بیش از پیش به جایگاه حرمت انسان در فلسفه وجودی آن نهفته است. اگر انسان ارزش دارد باید از بهترین امکانات و نعمات زندگی برخوردار گردد. اگر جان و زندگی بشر سزای احترام است باید کاری کرد که در مقابل این حوادث محفوظ بماند. رژیم اسلامی با تحمیل فقر و فلاکت زیستی بر

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

اعتراض بشریت متمدن علیه بوش در اروپا!



مهرنوش موسوی

از سر مردم دنیا کوتاه شود. محور شعارها، مباحث و سخنرانیهای مردم در اجتماع اعتراضی باشکوه شهر ماینز حمایت از مردم ایران بود. احدی از دولت اسلامی ایران در مقابل آمریکا حمایت نکرد. جملگی بر این واقف بودند که در این کشور هم تروریسم اسلامی حاکم است. همانگونه که من در مصاحبه با رادیو فردا از محل این تظاهرات نیز تاکید کردم، غالب سخنرانان بر این یافشاری کردند که این حق مردم ایران است که خودشان تکلیف رژیمشان را تعیین کنند. حمله نظامی آمریکا به ایران و تقابل اتمی رژیم اسلامی، زندگی مردم ایران و خاورمیانه را برای دهه های متوالی تباہ خواهد کرد.

این تظاهرات عظیم از بسیاری جهات باعث افتخار، دلگرم کننده و مسرت بخش بود. یک حمایت بین المللی قوی از مبارزه رهایی بخش مردم ما بود. نشان داد که به قول منصور، جهان متمدن بیدار است، علیرغم دستگاههای مهندسی افکار، تحمیق نشده و به این تباہی رضایت نداده است. در عین حال اینجا در شهر ماینز، جای مجاهد و سلطنت طلب، جای همه افراد، شخصیتها و نیروهایی که در طی این مدت به نیابت از مردم به بند و بست پرداخته و یا رسماً با بیشرمی تمام در روز ۲۲ بهمن در آمریکا فریاد "زنده باد بوش" ← ۴



فقط خرج پرواز هواپیمای جت مخصوص که بوش را به آلمان آورده است یک میلیارد دلار است. قطعات این هواپیما فقط به خاطر سفرهای این چنینی کاملاً باز و دوباره بسته میشود. در دنیا ۷ هواپیمای مشابه این وجود دارد که جملگی در اختیار کاخ سفید است. با این وجود، با وجود ماشین تبلیغاتی اینها، ماشین نظامی و پلیسی و سرکوبگرشان، هزاران نفر از مردم آلمان نه فقط در شهرهای مختلف دست به تظاهرات زدند، بلکه از نیمه های شب به سوی شهر ماینز سرازیر شدند تا قبل از بسته شدن آخرین دروازه های عبور به شهر خود را برسانند. افراد پلیس رسماً به مردم میگفتند که بعد از بسته شدن کلیه راههای عبور مردم، آنها اجازه دارند کسانی را که با پای پیاده راهی شهر میشوند را با تیر بزنند! نزدیک به ۱۰ هزار نفر از مردم مبارز، عدالتخواه و متمدن آلمان به هر وسیله ایی بود، با وجود این اختناق پلیسی خود را به مرکز شهر ماینز رسانده و آمدند تا علیه میلیتاریسم نظامی آمریکا، علیه کاپیتالیزم و بی افقی سیاسی دول غربی و اینکه خود اینها تروریسم اسلامی را در خاورمیانه به جان مردم انداخته اند، فریادشان را بلند کنند. روی پلاکاردهایی که پلیس حمل آنرا غیر قانونی اعلام، ولی از ترس جمعیت جوان و خشمگین و معترضی که آنجا بود مجبور به تحمل آن شد، نوشته شده بود که بوش خودش تروریست شماره یک دنیا است! هزاران نفر از مردم در همان روز در شهر ویس بادن، که رایس و بوش از مقر آمریکاییها دیدار میکردند، دهها هزار نفر در برلین، کاسل و شهرهای دیگر آلمان به خیابان آمدند و فریاد زدند که بوش باید از آلمان بیرون برود. دست بوش و هیئت حاکمه آمریکا باید

بسته بودند. از یک هفته قبل لباس شخصیها، مامورین انتظامی و امنیتی آلمان تمامی مسیر عبور و مرور در خیابانهای شهر ماینز را تحت کنترل گرفته، سطلهای آشغال را جستجو کرده، در فاضلابها جوش داده، به ساکنین آپارتمانهایی که بالکنهایشان رو به خیابان بود اخطار داده بودند که در روز سفر بوش حق باز کردن در بالکنها را ندارند. تمامی خطوط هوایی، زمینی، کشتیها و غیره را فلج و تعطیل کرده، شهر زیبای ماینز را به یک پادگان نظامی بدل کردند تا یک جنایتکار جنگی، یک تروریست بین المللی شناخته شده، نماینده دولتی که خود رسماً جنگ، تروریسم بین المللی را سازمان میدهد را زیر برق دمکراسی بیاورند و ببرند. به کارگران کارخانه ماشین سازی اوپل اعلام کردند که روز چهارشنبه باید در خانه بمانند، به جای آن، میبایست ۲ روز از شنبه های خود را که رسماً تعطیل آخر هفته میباشد کار کنند. یکی از کارگران که با نفرت از حضور بوش سخن میگفت در حالی که صورتش سرخ شده بود میگفت: اگر ما اعتصاب کنیم، کل دستگاه دولتی آلمان با تبلیغات به کارگران حمله کرده، مدیریت و کارفرمایان اوپل ادعا میکنند که کارگران میلیونها دلار به اقتصاد این کشور لطمه زده و باید اعتصاب را بشکنند. در حالیکه برای سفر این جنایتکار جنگی رسماً کار را از قبل کارگران خواباندند. بیهوده نبود که در مراسم دیدار بعد از ظهر بوش و شرودر روسای کارتلهای اتومبیل سازی و از جمله دایملر بنز هم حضور به هم رسانده و موقعیت بین المللی سرمایه های خود را با اتخاذ سیاستهای جنگی و قلدری آمریکا مورد بررسی و سنجش قرار دادند. رسماً اعلام کردند که



روز چهارشنبه دور شهر ماینز آلمان یک دیوار پلیسی، امنیتی و میلیتاریستی کشیده شده بود. نزدیک به ۵ هزار پلیس ضد شورش، مجهز به آخرین

دنبال وی راه افتادند و دور میدان محسنی گشتند و او را هو کردند. حدود ساعت ۲۲ تعدادی از ماشین های نیروی انتظامی با استقرار در میدان محسنی، از طریق بلندگو خواستار ترک جمع کنندگان در این منطقه شدند. فرمانده میدان از طریق بلندگو گفت: "انشالله عزاداریاتان قبول باشد! عزاداری خود را خراب نکنید و متفرق شوید".

جوانان در پاسخ به هشدار نیروی انتظامی، هو کشیدند و همچنان میدان محسنی و خیابانهای اطراف را مسدود نگاه داشتند. پس از این هشدار حداقل صدای ۲۰ ترقه آتش بازی در این منطقه به گوش رسید که از اولین انفجار دختران و پسران درحالیکه با دستان خود آسمان را نشان می دادند به بالا و پائین می پریدند و هورا می کشیدند. جوانان از صداهای انفجار نارنجکهای صوتی به شوق آمده بودند. سرانجام ساعت آخر یکشنبه گروهی از گله های حزب الهی که دیگر تحمل دیدن شادی و نشاط جوانان را نداشتند به آنها حمله کرده که با واکنش جوانان روبه رو شدند و تا ساعتی از شب جنگ و گریز ادامه داشت.

۲۳ فوریه ۲۰۰۵

→
ضلع شرقی میدان محسنی از طرف گروهی با عنوان "هیات مکتب الشهداء" برگزار شده بود. در خیابان اطراف میدان محسنی به صورت جمع های سه، چهار نفری گردهم آمده و مشغول گفتگو کردن و خندیدن بودند. جوانان در سوپرمارکتهای خیابانهای اطراف میدان محسنی خصوصاً خیابان بهروز، همدیگر را به نوشیدنی، چیس، پفک و بستنی دعوت می کردند. زنان و دختران آرایش کرده که بعضاً توری نازکی به صورت آزاد بر سر داشتند و یا حجابهایشان را برداشته بودند. دختران و پسران همدیگر را در آغوش می گرفتند. موسیقی پاپ گروه نمایشی به بهانه اجرای تفریح در میدان محسنی به حرکت درآمد، بر تحرک پارتی خیابانی دختران و پسران افزود. خصوصاً حرکت این گروه در میان جمعیت فشرده میدان محسنی وضعیت مانند دیسکو های بزرگ که دختران و پسران با هم میرقصند بوجود آورد. حدود ساعت ۲۱ سردار طلایی فرمانده نیروی انتظامی تهران در این مراسم حاضر شد اما دختران و پسران جوان و تابو شکن درحالیکه هللهل سر می دادند با سوت و کف و شعار "طلایی دوستت داریم" به

ما، جامعه را حول سرنگونی رژیم اسلامی متحد خواهیم کرد!



مصاحبه با بهرام مدرسی
پیرامون بیانیه "منشور
سرنگونی" حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست

فواد عبداللهی: سازمان جوانان حکمتیست اولین سازمان سیاسی بود که حمایت خود را از منشور سرنگونی اعلام کرد؛ دلیل این عکس العمل سریع چه بود؟

بهرام مدرسی: درست است فکر کنم ما اولین سازمان سیاسی هستیم که حمایت خود را از این منشور اعلام کردیم دلیل عکس العمل سریع ما را هم باید در اوضاع سیاسی امروز دید جمهوری اسلامی راهی برای نجات خود ندارد. آخرین "پروژه ای" که قرار بود رژیم را نجات دهد دوم خرداد با همه وابستگی درون و بیرون حکومتش بود که امروز دیگر اصلا موضوعیتی در حیات سیاسی جامعه ندارد تنها "نفع" دوم خرداد وقت خریدن برای رژیم بود. مشکل اصلی رژیم را اما این "پروژه" نتوانست حل کند مردم هنوز هستند و سرنگونی و

اسلام سیاسی را هم، از زیر ضرب مبارزات مردم خارج میکند و امکان ادامه حیات و جنایت و خون پاشاندن بر زندگی و آینده مردم را به آن میدهد. دیروز اسم یکی از این طرح ها "نوم خرداد" بود و امروز همان اهداف با نام "رفراندم" جلوی صحنه رانده میشوند این منشور سرنگونی رژیم اسلامی و خلاصی مردم از آن را معنی میکند و میگوید که رفتن جمهوری اسلامی یعنی چه؟ و طبعاً تلاش دارد که مردم را حول این خواسته ها و این معنی سرنگونی رژیم متحد کند

فواد عبداللهی: مثلاً چه خواسته هایی؟

بهرام مدرسی: کل این منشور، مثلاً "انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دار و دسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها" این یعنی اینکه سرنگونی رژیم اسلامی بدون از بین بردن کل این دستگاه نظامی و گرفتن امکان تحرک مجدد از آن بی معنی است. نیروهایی تلاش میکنند که خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی را "بر کنار" کنند و یا

انتظار که بعضی ها میگویند آنقدر به آنها "فشار" بیاورید که خودشان بعد از نتیجه رفراندم، کنار بروند و بجای آن کل این دستگاه سرکوب را نکه دارند سوال من این است که چه کسی احساس خلاصی از دست رژیم اسلامی را میکند وقتی که کل آن دستگاه سرکوب کماکان زنده است و امکان عمل دارد؟ و چه کسی نفی در آن دارد که خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی کنار بروند اما کل دستگاه آدم کشی که درست کرده اند، کماکان جای خود بمانند؟ این منشور میگوید که خلاصی از جمهوری اسلامی و

سرنگونی آن بدون انحلال کل این ارگانها بی معنی است رژیم اسلامی هم علیرغم "فتوای امام" که ارتش برادر ماست در سال ۵۷ و قیام مسلحانه مردم علیه رژیم شاه، بر کل دستگاه سرکوب رژیم سلطنتی سوار شد. این منشور میخواهد که این سناریو دوباره تکرار نشود میخواهد که به سرنگونی رژیم اسلامی معنی سرنگونی بدهد و نه هیچ چیز دیگری یا مثلاً خواست "انحلال حوزه های علمیه" و "انحلال کامل وزارت اطلاعات" و "مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و اینفلوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی..." و سایر مواد دیگر این منشور نشان میدهد که سرنگونی رژیم اسلامی باید همراه باشد با گرفتن امکان تحرک مجدد نیروهای اسلامی در ایران. حوزه های علمیه امروز بیشتر از هر وقت دیگری مراکز تربیت "بمب گذارهای" اینفلوژیک نه فقط برای ایران که برای کل منطقه هستند تنها کنار گذاشتن سران رژیم اسلامی کافی نیست زنده ماندن این مراکز اسلامی و امکان تحرک و تجدید حیات دادن به این مراکز مساوی است با تربیت لشکری از اینفلوژیک ترین کسانی که در سر هر میدان و چهار راهی بمب منفجر میکنند و خون به آن جامعه می پاشانند یعنی تکرار آنچه که امروز در عراق میگذرد سوال من این است که این تصویر و این امکان ادامه حیات به کل اسلام سیاسی و نیروهایش برای چه کسی میتواند معنی سرنگونی رژیم اسلامی باشد؟ برای من و شما و خوانندگان این نشریه و همه انسانهای آزادیخواه دیگر حتماً نه! اما برای کسانی که به این توحش اسلامی احتیاج دارند که با کمک آن مردم را به خانه بفرستند و ساکتشان کنند، صادق است سوال این است که برای ما معنی سرنگونی رژیم اسلامی کدام است؟ منشور سرنگونی دارد این را معنی میکند

فواد عبداللهی تضمین اجرای این خواسته ها و سرنگونی قطعی رژیم اسلامی چیست؟

بهرام مدرسی: بزرگترین تضمین این است که این منشور به پرچم مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی تبدیل شود تک تک خواسته های آن

باید وسیعترین نیروهای سیاسی از این منشور حمایت کنند و باید با چنان نیروی وسیعی را حول این منشور گرد آورد که در ضرب اول هم رژیم اسلامی را سرنگون کنیم و هم کل مفاد این منشور را بعنوان قانون اعلام و

اجرا کنیم باید خواست انحلال سپاه پاسداران، انحلال حوزه های علمیه، مصادره اموال آنها، و کل مفاد این منشور خواست ما علیه رژیم اسلامی

باشند در آنصورت نمیتوان یکی را کنار گذاشت و بعد به مردم گفت که خوب پیروز شدیم و برگردید خانه هایتان بعد از سرنگونی رژیم همانطور که در منشور آمده است،

دولتی موقت وظیفه اجرای مفاد این منشور را عهده دار میشود و باید ظرف ۶ ماه تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی را به مرجع نمایندگان مستقیم مردم ارجاع دهد و طبعاً طی انتخاباتی مردم نظام

حکومتی خود را انتخاب خواهند کرد

فواد عبداللهی: این هم رفراندمی است شما قبلاً به رفراندم اشاره کردید در خود این منشور هم انتخاب یا رفراندم طرح شده است چرا امروز مخالف رفراندم هستید؟

بهرام مدرسی: ما که "اصولاً" مخالف رفراندم نیستیم چیزی که امروز به آن

نام رفراندم نهاده اند، نه رفراندم است و نه امکان تصمیم گیری و انتخاب آزادانه به مردم میدهد کدام عقل سلیمی قبول میکند که رژیم اسلامی حاکم باشد و بعد رفراندم هم آزاد صورت بگیرد؟ این رژیم حتی از این هم عاجز است که انتخابات "آزاد" در بین جناح های خودش اجرا کند چه برسد به انتخابات آزاد مردم در مورد ماندن و نماندن خود این رژیم! این اگر بلاهت نباشد، کلاه برداری خالص است! ما مخالف این طرح رفراندم هستیم چون خیلی راحت دارد سر مردم کلاه میگذارد! ما کمونیستها اتفاقاً تنها نیرویی هستیم که بیشترین استفاده و نفع را از شرایط آزاد سیاسی و انتخابات آزاد میبریم اگر مردم جدا امکان انتخاب داشته باشند چرا باید مثلاً کار مزدی و بردگی انسانها را انتخاب کنند؟ چرا باید حکومتی را انتخاب کنند که در آن فقر و ناری و بیکاری شرط وجودش است؟ امروز اما مسله این است که این امکان انتخاب آزادانه را بوجود بیاوریم که همانطور که گفتیم معنی آن همین منشور سرنگونی بعنوان پیش شرط ایجاد این شرایط آزاد و یا معنی وجود این شرایط آزاد، است

فواد عبداللهی: چه برنامه هایی برای تثبیت این منشور دارید و انتظاراتان از حکمتیستهای جوان چیست؟

بهرام مدرسی: ما تلاش خواهیم کرد که وسیعترین قشر جوان را طرفدار این منشور کنیم فعالین ما در همه جا مفاد این منشور را به صبر خواسته های اعتراضات مردم در هر کجا که امکانش را داشته باشیم خواهند برد تلاش خواهیم کرد از هر امکانی استفاده کنیم و نگذاریم که چه طرح "رفراندم" و هر طرح دیگری که میخواهد رژیم اسلامی را بعنوان یک دستگاه حکومتی و اسلام سیاسی را از زیر ضرب مبارزات مردم خارج کند افشا کنیم

در همین نشریه امیدوارم که منتظم مطالبی در توضیح تک تک مفاد این منشور و نقد نیروهای سیاسی که مخالف آن هستند منتشر شوند

در یک کلام تلاش خواهیم کرد نیروی جوان در آن جامعه را حول این منشور بسیج کنیم امکانش را داریم و این کار را خواهیم کرد

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رژیم اسلامی زنده به زن ستیزی است!



فواد عبداللهی

یاکین ارتورک گزارشگر سازمان ملل درباره خشونت علیه زنان در این اواخر به ایران رفت و نتیجه بخشی از تحقیقاتش را چنین بیان داشته است: "زنان در خانواده با خشونت‌های روانی، جنسی و فیزیکی مواجهند و از آنجایی که در بعضی موارد به عنوان مثال در مورد طلاق قانون نیز تبعیض جنسی وجود دارد زنانی که قربانی خشونت در خانواده هستند نمی‌توانند به آسانی از آن نجات یابند. به علت طولانی بودن روند طلاق و هزینه‌های فراوان و بدنامی زن پس از طلاق زنان از این حق خود صرفه نظر می‌کنند. اگر هم موفق به طلاق شوند از آنجایی که حضانت به پدر داده می‌شود عواقب بسیار سنگین روحی و جسمی بر زنان وارد می‌کند. به عنوان مثال در ایلام زنان آخرین راه برای فرار از این موانع را

خودکشی می‌یابند." البته ناکفته نماند که ۲۲۰ مورد خودکشی در سال ۸۳ بین زنان ایلام گزارش شده است. همچنین اشاره کرد که موانع فراوان بر سر اثبات تجاوز توسط قربانیان تجاوز قرار دارد و گفت: "به علت وجود قوانین شهود و ادله، زنی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد نمی‌تواند به آسانی آنرا اثبات کند و اگر هم نتواند خود به اتهام داشتن روابط نامشروع مورد تنبیه قرار می‌گیرد و به اعدام محکوم می‌شود." جالب است، گزارشگر "ما" بعد از ۲۶ سال سرکوب، سنگسار و اعدام و کشتار سیستماتیک زنان، بعد از دو دهه و نیم تحمیل حجاب اجباری و آپارتاید جنسی، فرهنگ و سنت بغایت مردسالارانه و عقب مانده بر زندگی زنان، و آن هم در دیدار با "نمایندگان" قوه قضاییه، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نیروی انتظامی، زنان مدافع حقوق بشر، دانشگاهیان، روزنامه نگاران و وکلای

نگرفته است. یک چند صد نفری شلوغ کرده بودند! اینها حتی از مدیریت کانالهای تلویزیونی خود آلمان هم که دستور داشتند این اعتراضات را بطور گسترده منعکس نکنند، راستتر هستند. باید جرئت کنند این حرفها را فقط به انگلیسی و آلمانی ترجمه کنند!!

می‌دانند که قطب سوم، جهان متمدن و بشریت عدالتخواه پرچم خود را در مقابل هر دو قطب این جدال تروریستی بلند خواهد کرد. میدانند که پایان تروریستها کار ما و جنبش ما در سراسر جهان است. میدانند که با پایان دادن به این جنگ و جدال تروریستی پرونده اینها هم بسته خواهد شد!

دانشجویان و کارگران آن مملکت نرفتند بلکه با بانیان و سران اسلامی، با دوم خردادی های دیروز و حزب الهی های پریروز، با تحکیم وحدتیا و نه دانشجویان، با خواهران زینب و نه با زنان به تنگ آمده از حجاب و آپارتاید جنسی نشستید و با قرار پیشنهادیتان به حکومت جلدان عصر تمدن، خواستار جرح و تعدیل قوانین اسلامی شدید. کاری که دوم خرداد به اسم "اصلاحات" ۸ سال مردم را به خانه فرستاد و برای رژیم عمر خرید. اما باید به ارتورک متذکر شد که در ایران یک مکانیسم قانونی و منسجم برای سرکوب زنان وجود دارد که مسئله طرح و تقویت پیشنهاد او برای بهبود زندگی زنان را مضحکه کرده است. در مقابل، جنبشی علیه کلیت کثافات اسلامی در غلیان است که زنان

دادگستری، به رژیم اسلامی پیشنهاد قرار دادن لوییتی برای از بین بردن قوانین تبعیض آمیز، تصویب کنوانسیون رفع همه گونه تبعیض علیه زنان، اتخاذ مجازاتهای جایگزین، سعی در جلوگیری از اتفاق افتادن جرم و اصلاح آن به جای انتقام و حذف حکم اعدام، اقدام ملی برای حمایت از حقوق انسانی همه با تاکید بر از بین بردن خشونت علیه زنان و اطلاع رسانی به مردم در مورد فرهنگ سازی درباره حقوق بشر داد. اما ارتورک با این پیشنهادش دارد حکومت اسلامی را به رسمیت می‌شناسد، دارد خاک به چشم ۲۶ سال "نه"ی زنان و جوانان و جنبش خلاصی از شر اسلام می‌پاشد. آیا واقعا نمی‌داند که این رژیم با حمله به صف زنان آزادیخواه و برابری طلب در انقلاب ۵۷ و با قمه کشی و اسید پاشی به سر و صورت زنان توسط برادران اسلامی و خواهران زینب بر سر کار آمد؟ آیا نمی‌داند که حجاب اسلامی طوق بردگی و توهین به حرمت انسانی زن به عنوان انسانی آزاد چون مرد اساس و رکن ماندن جمهوری اسلامی بر گرده جامعه است؟ آیا نمی‌داند که این رژیم بر پایه ایدئولوژی اسلامی بنا شده و انسان تنها قادر است در چهارچوب آن بخورد، بنوشد، بپوشد، بخندد... آیا واقعا نمی‌داند که شریعت اسلام زن را نیمه انسان و برده کامل جنسی تعریف می‌کند و اوباشان حاکم بر ایران در قرن ۲۱ و در مقابل جامعه ای تشنه زندگی انسانی، با خشونت وحشیانه دولتی، خواهان تثبیت تصویری در زندگی زنان اند که خود ارتورک هم به احتمال زیاد تحت تاثیر آن و اما به سبک "نسبیت فرهنگی" در اروپا قرار گرفته است؟

نه جناب! شما نه تنها به تحقیق در میان زنان و جوانان و بخش به سزایی در آن دارند. می‌شود آن را اگر ریگی به کفش نداشت به راحتی در زندگی، در خواست و مطالبه، در پوشش و برخورد به آئین اسلامی هر روز و به شیوه های گوناگون به خوبی مشاهده کرد. مکانهای عمومی دیگر جایی برای رعایت کردن حجاب نیست و مقنعه و چادر در ابعاد وسیع مدهاست که ورچیده شده است و اشکال متنوع و مد روز به خود گرفته است. یک مبارزه زنده اجتماعی و دائمی برای حق نفس کشیدن، حق دخالت و تصمیم گیری در امورات اجتماعی و سیاسی در ایران در جریان است. ارتورک اگر دفاع از حق زنان ملاکش بود باید این روزها که به سوی ۸ مارس می‌رویم به زنان و جوانان ایران "پیشنهاد" می‌کرد که: پرچم زن ستیزی حجاب است، آن را بسوزانید...



تلویزیون پرتو برنامه ای از حزب حکمتیست

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح تهران مجددا پخش میشود.

مدیر مسئول: آذر مدرسی
برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:
www.hekmatist.com/parto

رادیو پرتو روی طول موج کوتاه!

از روز شنبه ۸ اسفند ماه

هر شب از ساعت ۹ به وقت تهران بمدت نیم ساعت

SW 49 meter , 5810 KHZ

طول موج و ساعات پخش را در وبسایت و نشانی خود برسانید!

www.radiopartow.com

Tel: 0046 707 399 868

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktohr.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با سازمان جوانان گمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

سر دبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مسئول خارج کشور:
جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۷۸۱۴۷۶۱۰۶۱۹۱

مسئول مالی: نسیم رهنما
nasimrahnemadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۲۴۵